«آسیب شناسی غایی و پیامدهای منفی تفسیر عصری با رویکرد نقادانه»
شهربانو عباس زاده / محسن نورایی / سید محسن موسوی
علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و سوم، شمارهٔ ۸۹ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، زمستان ۱۴۰۴، ص ۲۳-۳۷

«آسیب شناسی غایی و پیامدهای منفی تفسیر عصری با رویکرد نقادانه»

شهربانو عباس زاده[۲] / محسن نورایی[۳] / سید محسن موسوی[۴]

چکیده: تفسیر عصری از جمله رویکردهای نوظهور در دانش تفسیر قرآن است که به واقعیتها و نیازهای معاصر توجه نموده و تفسیری معطوف به شرایط و مقتضیات عصر ارایه می‌دهد. در کنار برخی آثار مثبت این رویکرد تفسیری، مانند همگانی نمودن تعالیم قرآنی، پیاده‌سازی آموزه‌های قرآنی، ارایه راهکارهای قرآنی برای مشکلات اجتماعی، پیامدهای منفی این رویکرد نیز حایز اهمیت و سزامند تامل است. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی ابتدا با بیان دیدگاههای مخالفان و نقد برآنها بر ضرورت تفسیر عصری تاکید و سپس برخی از پیامدهای مهم و آسیبهای اساسی تفسیر عصری را به بحث می‌نهد. آسیبهای تفسیر عصری در محورهای مختلف مانند آسیبهای روشی، مبنایی و آسیبهای غایی قابل بررسی است. مهمترین آسیبهای غایی این رویکرد تفسیری عبارتند از؛ دور شدن از بعد هدایتگری قرآن به عنوان هدف اساسی، اثرپذیری از علوم تجربی، جزیی نگری نسبت به انسان و... توجه به این آسیب‌ها و زدودن آن از ساحت تفسیر عصری سبب ارتقای کارآمدی این تفسیر و افزایش اعتبار آن است. نتیجه این پژوهش در حوزه مطالعات تفسیر و تمدن سازی نوین اسلامی قابل استفاده است. در نتیجه آنچه مفسر عصری را از انحرافات و آسیبهای موجود در این زمینه دور می‌کند رجوع به سیاق آیات و روایات است.

کلیدواژه: تفسیر عصری، آسیب‌شناسی تفاسیر، علم زدگی، هدایتگری قرآن.

---

* دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲؛ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۵.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری شهربانو عباس زاده تحت عنوان« جریان شناسی تفسیر عصری» می‌باشد.

۲. دانش آموخته دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. ایمیل: shabbaszadeh@yahoo. com (نویسنده مسئول)

۳. هیات علمی دانشگاه مازندران، دانشیار، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده حسن زاده آملی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. ایمیل: m. nouraei@umz. ac. ir

۴. هیات علمی دانشگاه مازندران، دانشیار، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. ایمیل: m. musavi@umz. ac. ir

بیان مساله

تفسیر عصری، شیوه‌ای نو در ارائه مباحث جهان‌بینی و اعتقادی و احکام است که مفسّر با توجه به آگاهی‌هایی که کسب کرده و نیازهایی که در عصر خود درك نموده، پیام قرآن را شرح می‌دهد. (معرفت، ۱۳۷۹، ج۲، ۲۴) وقتی تفسیری براساس رویدادهای زمانه و مربوط به عصر حاضر با رویکرد بازگشت به قرآن باشد عصری شده است. (خرمشاهی، ۱۳۶۴، ۶۴۲؛ معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ۴۵۹- ۴۶۸.) این تفسیر رویکرد نویی را به تفسیر قرآن باز کرد. (شریف، ۱۴۰۲، ص۵۲). و به نوعی مواجهه گسترده با فرهنگ غرب بوده است که به شیوه مستقیم و غیرمستقیم بر ارزش‌ها و نگرش‌های جامعه اسلامی و روشنفکران اثر نهاده است. برخی نیز (سیدجمال الدین اسدآبادی و عبده) با بازگشت به قرآن به انقلاب اصلاحی فراگیر روی آوردند. عبده از یك سو با نواندیشی‌هایی در تفسیر به تهذیب تفسیر از تفصیل مباحثی روی آورد که آیات شریف درباره آن‌ها سکوت کرده‌اند (معرفت، ۱۳۷۹، ج۲، ۴۸۲- ۴۸۴). پس از عبده، هم جریان نواندیشی در تفسیر با اقبال گروهی از مفسران روبه رو شد و هم تفسیر علمی (جواهر القرآن) گسترش یافت. سپس مصطفی محمود، طبیب و ادیب مصری به عصری شدن تفسیر تمایل نشان داد. عمده گرایش مصطفی محمود به تفسیر آیاتی در پرتو دستاوردهای علوم تجربی به وجود حرکت‌در همه ذرات عالم هستی (۸۸ نمل)؛ به کروی بودن زمین (۵ زمر)؛ و استنباط بیضوی بودن (۳۰ نازعات)، بوده است (مصطفی محمود، ۱۹۷۹م، ۱۵۶). امروزه مسائل پیچیده حیات و بن‌بست‌های فراوانی دامنگیر بشریت شده و افراد در پی آنند که پاسخ نیازهای خود را در قرآن پیدا کنند. «.. تبیانا لکل شی..» (نحل/۸۹)؛ قید عموم، همه نسل‌ها و زمان‌ها را فرا می‌گیرد. از آنجایی که در بحث آسیب‌شناسی بررسی سه محور مبنا و روش و غایت (پیامدها)، لازم مینماید، اما بیشتر اختلافات در این تفاسیر در حوزه غایی و پیامدهای این نوع تفاسیر هست. لذا اکثریت اختلافات در این زمینه بر آن شد تا آسیب شناسی غایی نسبت به دو بخش قبلی (مبنا و روش) در اولویت باشد.

نکته مهم در بحث آسیب شناسی تفاسیر مختلف این هست که ممکن است تفاسیر مختلف از جهاتی با یکدیگر همگونی و اشتراکاتی داشته باشند و یا یک جریان تفسیری

و یا یک نوع تفسیر از جهتی اجتماعی باشد و از جهت دیگر علمی و یا عقلی و... باشد.[۱] بنابراین باید دقت علمی به کار گرفته شود و مباحث را از جهتی که به بحث مربوط است مورد بررسی قرار داد که در این مقاله هم به آن توجه شده است.

با نگاهی به مقالات و کتابهای موجود در این زمینه به این نکته رسیدیم که اکثرا به طور کلی به این مبحث (تفسیر عصری) پرداخته‌اند و یا به بررسی ویژگیهای این تفاسیر و شیوه‌های نوشتن و تاریخچه این تفاسیر پرداخته‌اند. تا حالا کسی به بحث آسیب‌شناسی غایی این تفاسیر نپرداخته و از آنجایی که این مبحث جدید هست و رعایت نکردن آن آثار زیان‌باری در علم تفسیر و به تبع آن در زندگی مردم ایجاد می‌کند، نیاز به بررسی بیشتر هست تا تلاشی اندک در جهت بهبود آن فراهم آید و در حد سوی چراغی روشنگر این مسیر برای تشنگان معارف الهی باشد و با زدودن این آفات از چهره این تفاسیر (در حد توان)، مفسر بتواند به تفسیر عصری معتدل و مطابق نظر قرآن برسد.

اختلافات تفسیر عصری بخاطر نداشتن «مبنایی» ثابت هست. برخی مبانی را همان روش می‌دانند (عمید زنجانی، ۱۳۷۳، ۷). خلط این اصطلاحات در شکل‌گیری جریان نادرست تاثیرگذار هست و با جمود فکری نیازهای روز وپیامهای قرآن را نادیده گرفته می‌شوند (معرفت، ۱۳۷۹، ج۲، ۴۶۱). در مقابل، کسانی هستند که به تفسیر مادّی‌گرایانه آیات پرداخته‌اند و در مقابل فشار شبهات، تاب نیاورده، خواسته‌اند هر گذاره غیبی یا پدیده غیر قابل تفسیر مادّی را با تأویلات غیر منطقی و خودسرانه توجیه کنند و با این کار، خودباختگی رسواکننده‌ای از خود نشان داده و مصداق کامل «تفسیر به رأی» را انجام داده‌اند. (معرفت، ۱۳۷۹، ج۲، ۴۶۱) (مانند تفسیر میکروب به جن یا ابابیل به مرض آبله یا تفسیر ناصحیح فرشتگان، معجزات پیامبران و...). بنابراین این گونه مثالها و تفاسیر

۱. مانند تفسیر علمی و اجتماعی و... که باعث شده افرادی آنها را باهم خلط کنند. در حالیکه اگر با دقت بنگریم تفسیر عصری بحثی گسترده تر از علمی و اجتماعی و.. هست و یک نوع نگرش و رویکرد خاص عصری به تفسیر هست. حال ممکن هست این نگاه عصری گونه در موضوعات اجتماعی باشد یا علمی و یا هر بحث دیگر. نتیجه آنکه تفسیر عصری که در این مقاله مورد بررسی قرار میگیرد، فراتر و گسترده تر از سایر تفاسیر نامبرده است.

انحرافی در تفسیر عصری برآن شد تا به بررسی این مسئله روی آوریم. بحث از آسیب شناسی یعنی معرفی ضعفهایی است که جریان صحیح عصری را دچار انحراف و افراط و تفریط کند. این آسیبها بیشتر در تفاسیری رخ میدهد که دیدگاه مادیگرایانه یا افراط و تفریط و دور از واقعیت و هدف قرآن دارند. این آسیبها در سه بخش آسیبهای مبنایی و روشی و غایی (پیامد منفی) قابل بررسی هستند. از آنجایی که عمده اختلافات در بخش آسیبهایی غایی و پیامدهای منفی هست به بررسی این مورد می‌پردازیم.

۱-آسیبهای غایی و پیامدهای منفی تفسیر عصری

تفسیر عصری، با شعار نواندیشی مسائل روز در جستجوی اصلاح قوانین اجتماعی و همخوانی با شرایط عصری است؛ اما گاها بیش از حد اقناع حال مخاطب در نظر گرفته و از منظور الهی دور شده بنابراین اگر اقتضای عصر (شرقاوی، ۱۹۷۶، ۱۰؛ ابراهیم، بیتا، ۳۴؛ آملی، ۱۳۷۸، ۱، ۲۳۹) پاسخگویی به خواست‌های جامعه (ایازی، ۱۳۷۸، ۲۹، ۱۸۲، ۱۸۵) و حال مخاطب (ابراهیم، بیتا، ۳۴، ۴۵؛ معرفت، ۱۳۷۹، ۲، ۴۵۹) رعایت شود آسیبی متحمل تفسیر عصری نمی‌شود.

۱-۱- تقدس‌زدایی: تقدس‌زدایی در مباحث هرمنوتیک قابل مشاهده است. عقل‌گرایی افراطی و هرمنوتیکی آنچنان تفسیر عصری را تحت تحلیل طبیعت‌گرایانه خود گرفتند که روابط معنوی را به فراموشی سپردند و تفسیر را دستمایه دانش عصری خود خود کردند. می‌گویند این ما هستیم که به سراغ تفسیر می‌رویم و حدس و تئوریهای علمی بر قرآن تحمیل می‌کنیم. این نوع نظریات بر پایه الگوی پوپری و نظریه کانت هست (سروش، ۱۳۷۳، ص۳۲و۲۷۳، ۷۹و۸۰و۹۹و۱۰۰). تقدس‌زدایی از اعمال مذهبی و عبادی مثل اثرات ورزشی و بدن‌سازی با نماز (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱، ص۴۲۶) که با نص صریح قرآن «اقم الصلاه لذکری..» (طه/۱۴) و روح عبودیت اختلاف دارد. نمونه‌های بسیاری در کتابهای طبی وجود دارد. کتبی که حکمتهای عبادات و نماز و روزه و وضو را سلامت جسمانی شخص میدانند که به هیچ عنوان با روح متعالی قرآن و عبادت متناسب نیستند. (جمیلی، بیتا، ص۲۰۵-۲۱۷؛ نوفل، ۱۴۰۴ق، ص۱۸۵-۱۸۹).

ذکر نمونه: الف) گسترش جهان: گسترش جهان با توجه به آیه۴۷ذاریات دور شدن کهکشانها از یکدیگر (الجمیلی، ۲۰۰۰، ص۶۰-۶۴) و انبساط جهان تفسیر کرده‌اند (بوکایی، ۱۳۵۷، ص۳۲۵و۳۲۶) و آن را حقیقتی ثابت می‌دانند (الفیومی، ۱۴۲۴، ص۶۹؛ الجمیلی، ۲۰۰۰، ص۷۰؛ بوکایی، ۱۳۵۷، ص۲۲۵). در دیدگاه معرفت دو تفسیر اصلی (گسترش جهان) و مجازی (توسعه در رزق) به چشم می‌خورد (معرفت، ۱۴۱۰، ج۶، ص۱۱۱-۱۱۴).

بررسی: اصل بحث این آیه توجه به معنویت، قدرت در روزی و خلقت است (طبرسی، ۱۳۷۳، ج۹، ص۲۴۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج۱۸، ۳۸۱؛ سبزواری، ۱۴۱۹، ج۱، ص۵۲۷؛ ذحیلی، ۱۴۱۱، ج۲۷، ص۴۲) لذا تقدس‌زدایی از صفت معنوی الهی (قدرت و روزی) با هدف هدایتی ناسازگار است. این آیه ردیه بر سخن یهودیان (استراحت پس از خلقت) است (مراغی، بیتا، ج۲۷، ۹) که قدرت او نامحدود است.

ب) ولادت عیسی علیه‌السلام: چون حالات حضرت مریم مثل زنان وضع حمل بوده و نسب حضرت عیسی علیه‌السلام از داود علیه‌السلام به ابراهیم علیه‌السلام می‌رسد و یوسف هم پدرش، معجزه‌ای نشده (احمدخان هندی، ۱۴۳۲، ج۲، ۲۰-۲۲). بررسی: فاصله زمانی حضرت یوسف تا تولد عیسی علیه‌السلام چند قرن بود و یوسف و یعقوب غیر از پیامبران بنی‌اسرائیل بوده، همچنین خداوند به حالت دختری (آل‌عمران/۴۷)، به مریم فرزند داد (طبرسی، ۱۳۷۳، ۷۵/۴) و جواب فرشته در تعجب مریم علیهاالسلام که خدا هر طور بخواهد می‌آفریند (قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ۷۸/۲) این معجزه را اثبات می‌کند. مرحوم هندي با تطبیق آیه با دیدگاه‌های علمي دست به طبیعی‌انگاری معجزه زده است.

آنچه از چهره قرآن قداست‌زدایی می‌کند تفسیر عالمانه آن نیست، بلکه تفسیر خودخواهانه و افراطی از جمله تشبیهات عوالم معنوی به موارد مادی است.

۱-۲- تاویل‌گرایی مادی: اموری از جمله؛ فاصله از هدف نزول (هدایت) با گرایشهای سلیقه‌ای (علمی)، عدم پایبندی به قواعد تفسیر، ناآگاهی به مباحث روز ومخالفت با سیاق و روح قرآنی باعث افراطی‌گری در تفسیر عصری می‌شود (ایازی، ۱۳۷۸، ص۱۷۵) نمونه‌هایی در ادامه بیان می‌شوند.

الف) نمونه اول: دمنهوری «سَخَّرْنا مَعَ داوُدَالْجِبالَ..» (انبیا/۷۹) را به معادن مکشوف در

کوهها تفسیر می‌کند و «طیر» را موجود سریع السیر مثل هواپیما و قطار و.. تاویل مادیگرایانه می‌کند (عک، ۱۴۲۸، ۲۵۸). شحرور هم با روشی تاریخی علمی قرائت‌های متفاوت با قرآن و تفسیر ارائه می‌دهد (شحرور، ۱۹۹۶، ص۴۵). شحرور قرآن را دارای دو عنصر ثابت (اصل آن) و متغییر (تفاسیر عصری) می‌داند. آیات از جانب خدا یک معنی و از دید انسانی رنگ نسبیت دارند؛ مثل آیات اجتماعی و اقتصادی و حقوق زن و.. (شواف، ۱۹۹۳، ۲۹).

الف) نمونه دوم: «تَرَى الْجِبالَ.. » (نمل/۸۸) بر حرکت زمین تفسیر کردند (ابوحجر، ۱۴۱۱، ص۲۲۱-۲۲۳) در حالیکه با توجه آیه قبل این آیه مربوط به قیامت و نفخ صور است.

ب) نمونه سوم: به نظر احمدخان محال است حقیقت چیزهای ماورای حسّ با کلمات بیان شود، حتی اگر جزو کلام الهی باشد (ذهبی، ۱۴۰۹، ۲، ۵۱۴). احمدخان، شکافته شدن دریا را جزرومدّ تعبیر کرده (احمدخان...، ۱۳۳۲، ۱۳۲-۱۱۰) جاری شدن آب از عصای موسی به چشمه‌سارها (احمدخان...، ۱۳۳۲، ۱، ۱۵۰) حجر را به کوهستان گرفته است. یوسف نجّار را پدر حضرت عیسی می‌داند، و«لَمْ يَمْسَسْنِي» (آل‌عمران/۴۷؛ مریم/۲۰) را پیش از درآمیختن یوسف با وی گفته (احمدخان...، ۱۳۳۲، ۳، ۳۵-۱) همچنین سخن گفتن عیسی (احمدخان...، ۱۳۳۲، ۳، ۴۲) نزول مائده آسمانی (احمدخان...، ۱۳۳۲، ۳، ۲۲۰) شفای بیماران و احیای موتی (احمدخان...، ۱۳۳۲، ۳، ۱۷) و عروج آن حضرت و زنده ماندنش را انکار می‌کند (احمدخان...، ۱۳۳۲، ج ۳، ۴۸). اینها را متأثر از یهودیان و مسیحیان می‌داند (احمدخان...، ۱۳۳۲، ۳، ۱۵۱). در برخورد با این تفاسیر باید آنها را شناخته و جوانب احتیاط رعایت کنیم.

۱-۳- نسبی گرایی (تکثرگرایی): این دیدگاه باعث هرج و مرج تفسیر و دستیابی به مقصود گوینده می‌شود. نگرش فلاسفه غرب در مسائل متافیزیکی (علیت، وجود خداوند، نفس، جبر) تعطیل و سکوت فکری است و بدین لحاظ کثرت‌گرایی معرفتی و معرفت نسبی اتفاق میفتد (سعیدی روشن، ۱۳۸۳، ۳۹۹). تکثرگرایی با روشنفکران مسلمان به اسلام راه یافت (مطهری، ۱۳۹۹، ۲۹۶-۳۰۰)؛ مباحثی همچون «صراطهای مستقیم»[1] «انقلاب کپرنیکی

۱. کثرتگرایان از نکره بودن صراط (۴۳ زخرف، ۴ یس و ۲ فتح). تعدد آن را برداشت کرده (پلورالیسم دینی). در حالی‌که این یعنی دینی که ایستاده و دیگران را برپا می‌دارد (اعراف/۸۶ و انعام/۱۶۱) (المیزان، ج ۱، ۳۱-/۳۲، ج ۸، ۱۸۸؛ راهنما، ۶، ۱۲۰؛ طبرسی، ۱۳۷۳، ۴، ۶۸۸-/۶۸۹)

در کلام» (عبداللهیان، ۱۳۸۹، ۱۷، ۱۷۰)، «تعدد قرائت‌ها از دین» (بازتاب اندیشه، ۲۱، ۲۶)، «قبض و بسط تئوریك» و «به رسمیت شناختن اهل کتاب» (عبداللهیان، ۱۳۸۹، ۱۷، ۱۷۶) در ترویج همین اندیشه است.

مستندات تکثرگرایی: ۱. پلورالیسم دینی را خواست خدا دانسته (بقره/۱۴۸؛ مائده/۴۸؛ هود/۱۱۸؛ روم/۳۲؛ شوری/۸) ۲. آمیختگی حق و باطل: با استناد به آیه ۱۷رعد پنداشته‌اند اصحاب هر فرقه می‌توانند بر طریقه خاص خود بمانند و این آمیختگی حق و باطل مبناي پلورالیسم است. حق خالص در جهان نیست و مذاهب آمیخته حق و باطل‌اند و طبق آیه ۱۲۴نحل دینداری را آبی کف‌آلود تا قیامت می‌دانند (سروش، ۱۳۷۸، ۳۸) ۳. تجلی هدایتگری خدا: هادی بودن خدا مستلزم هدایتمندی مردم است (سروش، ۱۳۷۸، ۳۳-۳۶) در حالیکه هدایتمندی مردم را مقتضای هادی بودن خدا مدعایی بی‌دلیل است، چنان که مقتضای هادی بودن خدا این نیست که همگان را به صراط مستقیم هدایت کند (انعام، ۱۱۶؛ سبأ، ۱۳؛ بقره، ۲۴۳؛ سجده، ۹؛ هود، ۱۷و۴۰؛ انسان، ۳؛ کهف، ۲۹) ۴. اسلام اهل کتاب: کثرت گرایان با استناد به آیات ۱۲۸بقره؛ ۱۹و۸۵آل‌عمران و۸۴یونس، «اسلام» را درباره ادیان پیشین می‌دانند. آنان گاه به گفته علامه طباطبایی که اسلام را تسلیم دانسته‌یا به حدیث «الإسلام هو التسلیم» (رضی، ۱۳۸۷، حکمت۱۲۵) تمسك کرده‌اند (سروش، ۱۳۷۸، ۳۲)

این دیدگاه در تفاسیر عصری به عنوان دیدگاه هرمنوتیکی مطرح می‌شود. سروش تکثر معنایی را از این جهت می‌داند که در برداشتهای مختلف تفسیری، یکی از تفسیرها مراد خداوند هست اما اینکه کدام مشخص نیست! به دلیل تاثیرذهنیتها بر آن (امامی، ۱۴۰۱، ۱۸۱-۱۸۶) و اینکه در عالم معنا مخاطب و گوینده معلوم نمی‌شود، لذا سخن او سخن خداست و ایشان را شخصی آشفته معرفی می‌کندکه بخاطر بازیگری خوب ادعا می‌کند که فرشته بر او نازل شده (شبستری، قرائت نبوی از جهان۲).

نقد۱: اینگونه تحلیل‌های ناروا به پیامبر و قرآن از ساحت ملکوتیشان به دور است. اگر اینگونه که شبستری می‌گوید، پس قرآن در هیچکدام از کتابهای اسلامی منبع درستی نیست. حال آنکه در تمام کتابهای مسلمانان قرآن به عنوان نقطه ثقل و اعتماد دیدگاهها هست.

نصرحامدابوزید سحر و حسد راساختار ذهنی-غیرحقیقی می‌داند (ابوزید، ۱۳۸۳، ۲۸۰ و ۲۸۱). کلمات متاثر از فرهنگهای عصری هست (مثل لیبرال که در گذشته معنی منفی و امروزه یعنی تعصب و مدارا).[۱] واژگان دیوانه و مجنون در زوال عقل باعث فاعلیت جن می‌شود.

نقد۲: ابوزید قرآن را لفظ می‌داند مخالف صریح قرآن است (واقعه/۷۸-۸۰؛ بروج/۲۲و۲۱؛ زخرف/۳و۴). از طرف دیگر پیوند قرآن با فرهنگ بعثت دلیلی بر پیروی قرآن از باطل نیست (فصلت/۴۲).

۱-۴- رویکرد تاویلی: طبق این رویکرد، قرآن تاریخی است نه اعتقادی. مشکل اصلی این دیدگاه در نگاه به وحی است. به تقلید اصلاح‌گران غربی طرح اصلاح دین دنبال کند. همه حقایق را با تجربه اثبات و با اقتضائات فرهنگ عصر به تأویل می‌برد (سعیدی روشن، ۱۳۸۳، ۳۵۸).

زبان قرآن واقع‌گویی است (اسراء/۱۰۵). آیات مناسب عصر پیامبر ﷺ بوده اگر ما تفسیر را در عصر حاضر نمی‌توانیم تطبیق دهیم، بخاطر اینکه دورانش تمام شده (سروش) نقد: مگر آیات اشیاست که تاریخ انقضایش تمام شود؟ ثانیا قداست معنوی چه می‌شود؟ درنظر گرفتن جوانب علمی و مذهبی درنظریه راهگشا خواهد بود.

نمونه‌ها: الف) معاشرت با بردگان: با از میان رفتن نظام اجتماعی- اقتصادی برده‌داری، روشن است که آن احکام ملغا شده مگر استشهاد تاریخی باشد. نظیر همین نگرش از یکی از نویسندگان دیگر (جابری) درباره ارث دختران و متعه نقل شده که گفته اینها مطابق وضع تاریخی-قبیلگی بعثت است و نه برای همه محیط‌ها (عبدالرحمن، ۱۹۹۳، ۲۰۷، ۲۲۳ و ۲۲۸.). **ب) ربا:** قرآن ربای فرهنگ جاهلی تحریم کرده و این اشاره‌ای بانکداری رایج امروزی ندارد. **ج)** سحر، جن، شیطان، نشان مفهومی ذهنی در فرهنگ عربی است نه عینیت واقعی (ابوزید، ۱۳۸۵، ۲۱۰، ۲۱۳و۲۱۵)

بررسی: احدی از علمای حتی عارفان و باطن‌گراها نیز زبان واقع‌گرای قرآن را نفی

۱. زبان امری ثابت نیست و همگام با فرهنگ و واقعیت دگرگون می‌شود. (ابوزید، ۱۳۸۵، ۱۹۸)

نمی‌کنند. بنابراین هیچکدام از موارد ذکر شده در قرآن تغییر واقعیت نمی‌دهد (اسراء، ۱۰۵) بلکه در عصرهای مختلف مفهومش فرق می‌کند.

۱-۵- رویکرد تفسیر به رأی: انتساب سخنی به خداوند بدون علم نهی شده است. پیامبر ﷺ: «من قال فی القرآن برأیه فأصاب فقد أخطأ» (ابوداود، ۱۴۲۰ق، ج۱، کتاب العلم). تفسیر به رای در هر شرایطی قابل قبول نیست زیرا تفسیربه رأی اجتهاد نیست؛ بلکه همان تکروی وتحمیل رأی بر قرآن است. مفسران عصری گاهی براثر تبلیغات الحادی به تفسیر مادی پرداخته و هر گزاره غیبی با تأویلات خودرای توجیه می‌کنند (معرفت، ۱۳۷۹، ج۲، ۴۶۰). و دو مسیر را دنبال کرده‌اند؛ یا آیات را به تاویل مادی می‌بردند و یا غیرعقلانی تفسیر می‌کردند دلیل آنها هم انطباق با شرایط کنونی است.

نمونه اول: در مسأله قوامیّت مرد معتقد به جنبه‌های عاطفی و قدرت بدنی هستند و زنان چون موقعیت ممارست در آموزش و پرورش نداشتند عقب می‌ماندند. اگر برتری مردان دائمی باشد، پس تفضیل یهود هم دائمی است (ایازی، ۱۳۷۸، ۱۵۹ و ۱۶۰).

بررسی: این‌گونه تحلیل‌ها قیاس مع الفارق است. ساختار زن و مرد طبیعی و نه تحمیلی است (حج/۷۸) ریشه در آفرینش و با تربیت متحول نمی‌شود («لاتبدیل لخلق الله..» روم/۳۰). شهادت زنان با توجه به مشارکت در جامعه جای تجدیدنظر دارد. با اشاره به احکام حقیقیّه و خارجیّه، شهادت زنان از احکام خارجیّه و قابل تجدید نظر است. اختلافات در این زمینه در فهم مفسران است نه در آیات.

نمونه دوم: درباره سارق و زانی اینگونه بیان میدارند که باید در حکم قطع و جلد تجدیدنظر نمود و آن را استحبابی گرفت نه الزامی! (اعراف/۳۱) رعایت این توصیه ضرورتی ندارد. (ذهبی، ۱۴۰۹، ج۲، ص۳۸۷-۳۸۸) از جمله این افراد شحرور هست که معتقد است قطع دست دزد بی ارزش است و منطبق با دادگاههای امروزی نیست (رجب‌زاده، ۱۴۰۱، ص۲۸۱ و۲۸۲).

بررسی: در مورد آیه بعد (اعراف/۳۱) که قیاس شده، هم استثناهایی وجود دارد (اینکه فقط در روز عید باشد. و یا خیلیها منظور از زینت را لباس تعبیر می‌کنند) و اینکه نوع احکامش با این آیه فرق دارد. قیاس آن یک کار اشتباه هست. در موردقطع دست سارق

روایات فراوانی بیان شده که قابل اقماض نیست. اینکه مبنا و اصول این نظر که احکام در دوران مختلف فرق می‌کنند چیست؟ در حالیکه قطع دست سارق همیشه و همه جا یک مبنای ثابت هست و در روایات هم بیان شده. (کلینی، ۱۳۷۵، ج۷؛ ص۲۲۱، ۲۲۵، ۲۳۱) فعل امری هست و پیامبر هم به آن عمل کرده بنابراین اصل حکم صحیح اما مصادیق آن متفاوت است.

نکته: برای برون رفت از این آسیب جدی رجوع به روایات و دلیل قطعی راهگشا خواهد بود (ابن تیمیه، بیتا، ۸؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ۲، ۳۸۱).

۱-۶- رویکرد التقاطی: مفسران از گفته‌های پیشینیان مکتبی فلسفی می‌سازند (فارسی، ۱۳۷۴، ۱۰۵؛ فروغی، ۱۳۶۰، ۱، ۷۹) مثل توجیه معجزه عبور موسی و قومش از رودنیل (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ۱، ۳۱۴-۳۱۵). این جریان قرآن را به مکتبی مادّی درآوردند (مطهری، ۱۳۷۷، ۱، ۴۵۸). ذکرنمونه: مفسران غیب را نادیدنی (بقره/۲) دانسته‌اند؛ اما در تفکر التقاطی، غیب معهود و شناخته شده مراحل ابتدایی انقلاب توحیدی است (مطهری، ۱۳۷۷، ۱، ۴۶۵) آنان برای تحقق ایمان خود آن پیوستگی را که در زبان مذاهب «نماز» خوانده می‌شود برپا می‌دارند (مطهری، ۱۳۷۷، ۱، ۴۶۶). در تفکر التقاطی، «دنیا» نظام سرمایه‌داری و «آخرت» نظام عادلانه و «خلود» یعنی فرد برای تکامل فانی گردد (ابوالحسنی، ۱۳۶۲، ۴۲۵- ۴۲۷). این تفکرات بی‌اصل در برخی تفاسیر عصری تاثیر گذاشته است.

۱-۷- توجه به بخشی از وجود: تفاسیری که نیازهای اصیل نادیده می‌گیرد ناقص است؛ زیرا در قرآن مادیات هم ضروری است (انعام، ۳۲). « دنیا برای عبرت‌بینی و نه نگریستن است» (رضی، ۱۳۸۷، خطبه۸۲). در برخی تفاسیر عصری فقط به بخش جسمانی توجه شده است.

ذکر نمونه: ۱-نفي مجسم شدن فرشته براي حضرت مريم: برخی آن را تخيّلي می‌دانند. ديدن خوابها يا شنيدن آوازهايي بدون گوينده به مقتضيات فطرت وقوع می‌يابد (احمدخان...، ۱۳۳۲، ج۲، ۳۴). سپس با صراحت به بی‌پدری عیسی علیه‌السلام پرداخته: «فاء تعقيب» در «فحملته..» (مريم/۲۲) به معنی فوراً آبستن شد و «فَأَجاءها المخاض..» (مريم/۲۳) به معنی درد زائيدن و اتصال زماني مستنبط نمي‌شود. ز حرف «فاء» نمي‌آيد که به مجرد اين مذاکره

حضرت مریم حامله شده بلکه مدتي بعد حامله شد. هنگام گفتگو، بشري مریم را لمس نکرده و بعد آن برحسب فطرت از شوهرش یوسف حمل برداشت (احمدخان...، ۱۳۳۲، ج۲، ۴۱). گویی مفسر در«.. اعوذ بالرحمن..» (مریم/۱۸) چندان تدبری نداشته‌اند. این آیه بیان می‌دارد پس از آنکه فرشته در محراب براي حضرت مریم تمثّل می‌یابد و باعث وحشت ایشان می‌شود و سپس از این امر که دست بشري او را مس نکرده است تعجب می‌کند.

نمونه دیگر، توجیه مادي تکلم عیسی علیه‌السلام در مهد است. سیداحمدخان ذیل آیه (آل‌عمران، ۴۶) به نفي تکلّم عیسی علیه‌السلام می‌پردازد وآن را به نوجواني (دوازده سالگي) نسبت می‌دهد به نحوي که علمای یهود بر علیه اعتقادات عیسی علیه‌السلام زبان به اعتراض می‌گشایند (احمدخان...، ۱۴۳۴، ۱۹۴/۲).

بررسی: پس از تولد عیسی علیه‌السلام مریم علیهاالسلام ایشان را میان مردم می‌آورد و مردم حیرت‌زده طعنه می‌زنند، مریم به عیسی علیه‌السلام ارجاع می‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷۴/۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۳۴۵/۳) لذا هدف تبرئه مادرش از تهمت‌های مردم است (مغنیه، ۱۴۲۵، ۷۰). برخی در مواردی که آیه هدف معنوی دارد تفسیر مادیگونه و در مواردی که هدفی مادی (واضح) دارد، تفسیری باطنی می‌کنند. این توجه تک‌بعدی به وجود انسان اشکالی اساسی و فراوان در این تفاسیر است.

۱-۸- رویکرد علم‌زدگی: باشعار بازتاب فرهنگ زمانه احکام مخالف با نگرش جدید را بازتاب دوران قدیم و قابل تطبیق دانسته‌اند (معرفت، ۱۳۷۹، ج۲، ۴۶۱) البته این نکته فراموش نشود که علم به خودی خود سودمند هست اما وقتی از حد و حدودهای قرآنی فراتر می‌رود، کفرگویی می‌شود که نه مورد تایید قرآن هست و نه عقل و منطق.

ذکر نمونه: برخی (عبده، رشیدرضا) قایل به عدم روئیت جن آن را خطای ادراك می‌دانند (ذهبی، ۱۴۰۹ق، ۲، ۵۸۴ و۵۸۵). جن را جانداری پنهان (بقره/۲۷۵) از جمله میکروب می‌دانند (رضا، ۱۴۱۴، ۳، ۹۶)

بررسی: برخی آیات به خاطر زیبایی‌های بلاغی با کنایه بیان شده اما کلمات متافیزیکی توجیه فیزیکی کردن، مبالغه غیرمنطقی است.

نمونه دوم: ستون آسمانها: مفسران گذشته معتقد به ستونهای نامرئی آسمان (رعد/۲؛ لقمان/۱۰) و مفسران جدید معتقدبه عدم ستون آسمان هستند؛ چون اگر موجود باشد، حجم زیادی اشغال می‌کند و نمی‌تواند نامرئی باشد. اما براساس کیهان‌شناسی (کروی بودن آسمان) نیازی به ستون نیست. در قرن دهم گالیله و نیوتن معتقد به عدم وجود آسمان (بلکه برخورد نور با جو زمین) هستند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج۱۱، ۲۸۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج۶، ۴۲۱)

اما با توجه به روایات ستون‌های آسمان وجود دارند اما نامرئی‌اند (حویزی، ۱۴۱۵، ج۵، ۱۲۱))

نمونه سوم: موضوع بعدی فجر و نفخ صوراست. فجر (فجر/۱-۳) انفجار اولی و «لیالی العشر»مراحل دهگانه ماده که منجر به نور می‌شود و «الشَّفْعِ وَ الْوَتْر» هیدروژن (اولین عنصر) است. «خلق» کاری مسبوق به سابق و «ابداع»بی‌سابقه است، لذا آفرینش آسمان و زمین برپایه ابداع بوده که یکباره با انفجار جدا شدند (فاطر/۱) (رجب‌زاده، ۱۴۰۱، ص۱۵۷و۱۵۸). نقد: این نوع تفسیر متاثر از دیدگاههای غربی (بینگ بنگ) است. آسمان قبلا به صورت (دخان) بوده (فصلت/۱۱و۱۲) سپس گشوده شد (قمر/۱۱) تا باران نازل شود. زمین از خاکستر باقی‌مانده انفجار پدید شده است (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج۱، ۹و۲۲). پس زمین و آسمان از نیستی نیامده و نام ابداع برای آن درست نیست.

بررسی: برای پیاده‌سازی تفسیر عصری در جامعه باید مسائل روز جامعه را به عصر پیامبر ببریم تا عمق مطلب را درک کنیم و برای انطباق با مباحث عصری آن را در قالب مباحث جدید (موافق قرآن) بریزیم. هدف از این آیات افزایش ایمان و در خدمت گرفتن علم برای افزایش ایمان هست (نمر، ۱۴۰۵، ۱۴۹). مانند رشد جنین که هدف اتصال علم به ایمان و قدرت خلق انسان است. اگر گاهی ضعفی در تفاسیر میبینیم از نوع فهم بشری هست نه از خود قرآن. از طرفی نیز اینگونه تحلیلهای غربی و علمی (نادرست)، مخالف روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام است.

نتیجه

تفسیر عصری به مانند دیگر گونه‌های تفسیر در معرض آسیب‌های مختلف قرار دارد. شناسایی این آسیب‌ها براغی رسیدن به معارف اصیل و عصری ضروری است. آسیب‌های غایی تفسیر عصری که در این نوشتار بررسی شده براساس آیات و روایات مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است.

تقدس‌زدایی نخستین آسیب است. کوشش افراطی جهت ارایه خوانشی مورد پسند مخاطب -که نوعا متاثر از علم زدگی است- سبب کم توجهی به بعد هدایتی قرآن به عنوان هدف اساسی آن می‌گردد. و این همه در حالی است که تهی شدن آموزه‌های قرآنی از این هدف اساسی قداست این متن والا را مخدوش می‌نماید. تاویل نادرست نیز دومین آسیب قابل ذکر است. بی توجهی به سیاق آیات و روح کلی تعالیم قرآنی و نیز جهت گیری کلی آن و قطعی دانستن یافته‌ای علمی زمینه ورود این آسیب را فراهم می‌نماید. تفسیر به رای نیز به عنوان آسیب دیگر در این تفاسیر شایان توجه است و به دلیل توجه بیش از حد به بعد مادی دچار انحرافات مادی می‌شود. آن چه که در این زمینه گفته شد به معنای فقدان اعتبار تفسیر عصری نیست بلکه در مسیر پاسداری و صیانت از معارف والای حاصل از تفسیر عصری است. توجه به ضوابط اصیل بیان شده در تفسیر به ویژه پایبندی به میراث ژرف برجای مانده از اهل‌بیت علیهم‌السلام در این زمینه بسی ضروری و بسیار کارگشا است.

منابع

قرآن کریم

ابراهیم، محمد اسماعیل، (بیتا)، **قرآن و اعجازالعلمی**، دارالفکر

ابن تیمیه (بیتا)، **مقدمة فی اصول التفسیر**، به کوشش محمود نصار، قاهرة، مکتبة التراث

ابوالحسنی، علی، (۱۳۶۲)، **مطهری افشاگر توطئه**...، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ۲

ابوحجر، احمد عمر، (۱۴۱۱ق)، **التفسیرالعلمی فی المیزان**، دمشق، دار قتیبه، چاپ۱

ابوداود، سلیمان بن اشعث (۱۴۲۰ق)، **سنن ابی داود**، شرح: سیدمحمدسید، قاهره: دارالحدیث، چاپ۱

ابوزید، نصرحامد، (۱۳۸۳)، **نقد گفتمان دینی**، ترجمه: حسن یوسفی، نشر یادآوران

ابوزید، نصرحامد، (۱۳۸۵)، **نقدالخطاب الدینی**، قم، دارالحدیث
ابوزید، نصرحامد، (۱۳۸۰ ش)، **معنای متن**، ترجمه: کریمی نیا، تهران، طرح نو
احمدخان هندی، سرسید، (۱۳۳۴ش)، **تفسیرالقرآن هو الهدي والفرقان**، ترجمه: محمدتقی داعی گیلانی، تهران، نشرعلمی
امامی، حسین، (۱۴۰۱)، **تفسیر سنتی و هرمنوتیک جدید**، نهران، نقد فرهنگ، چاپ۱
ایازی، سید محمدعلی، (۱۳۷۸)، **قرآن و تفسیر عصری**، تهران، فرهنگ اسلامی، چاپ۲
بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۵)، **البرهان**، محقق: بنیاد بعثت، البعثه، قم، چاپ۱
بنت الشاطی، عایشه (۱۳۹۸)، **القرآن والتفسیرالعصری**، القاهرة، دارالمعارف
بوکایی، موریس (۱۳۵۷)، **عهدین قرآن و علم**، مترجم: حسن حبیبی، تهران، حسینیه ارشاد، چاپ۱
مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، **پیرامون انقلاب اسلامی**، تهران، صدرا
جمیلی، السید، (بیتا)، **اعجاز الطبی**، بغداد: مکتبه التحریر
الجمیلی، السید (۲۰۰۰)، **الاعجاز العلمی فی القرآن**، بیروت، بی‌نا
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، **تسنیم**، قم، اسراء
حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵)، **تفسیرنورالثقلین**، اسماعیلیان، قم، چاپ۴
خرمشاهی، بهاء الدین، (۱۳۶۴ ش)، **تفسیر و تفاسیر جدید**، تهران، کیهان
خولی، امین، (۱۹۶۱ م)، **مناهج التجدید فی النحو والبلاغه** و...، بیجا، قاهره، دارالمعرفه، چاپ۱
ذهبی، محمدحسین، (۱۴۰۹ ق)، **التفسیر والمفسرون**، قاهرة، مکتبة وهبة
رجب‌زاده، شیرین، (۱۴۰۱)، **تفسیر عصری** (بررسی نظریه شحرور)، بوستان کتاب، چاپ۱
رضا، محمد رشید، (۱۴۱۴ق)، **تفسیر القرآن الحکیم** (المنار)، بیروت: دار المعرفة، چاپ۱
رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۱)، **پژوهشی در اعجاز علمی قرآن**، رشت: کتاب مبین
رضی، محمد بن حسین، (۱۳۸۷)، **نهج البلاغه**، ترجمه: محمد دشتی، قم، الهادی، چاپ۳۲
زحیلی، وهبه (۱۴۱۱)، **التفسیرالمنیر**، دارالفکر، دمشق، چاپ ۲
زرقانی، عبدالعظیم، (۱۳۸۵ش)، **مناهل العرفان**، مترجم: آرمین، محسن، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، چاپ ۱
سبزواری، محمد (۱۴۱۹)، **الارشادالاذهان**، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، چاپ۱
سروش، عبدالکریم، (۱۳۷۳)، **قبض و بسط تئوریک شریعت**، تهران: صراط
سروش، عبدالکریم، (۱۳۷۸)، **صراطهای مستقیم**، نشر صراط، چاپ۲
سعفان، کامل علی، (۱۹۸۱ م)، **المنهج‌البیانی فی تفسیر القرآن**، مصر، مکتبة الانجل
سعیدی روشن، محمد باقر، (۱۳۸۳)، **تحلیل زبان قرآن، تهران**: نشر حوزه و دانشگاه، چاپ۱
سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، (۱۴۲۱ ه. ق)، **الإتقان في علوم القرآن**، محقق: زمرلی، فواز احمد، بیروت: دارالکتاب العربي، چاپ ۲

شحرور، محمد، (۱۹۹۶ م)، **الکتاب والقرآن قراءة معاصره**، بیروت، شرکة المطبوعات
شرقاوی، عفت، (۱۹۷۶ م)، **الفکر الدینی فی مواجهة العصر**، مکتبة الشباب
شریف رضی، محمدبن حسین، (بیتا)، **نهج البلاغه**، تحقیق: صبحی صالح، دارالهجره
شریف، محمد ابراهیم، (۱۴۰۲ ق)، **اتجاهات التجدید**، القاهرة، دارالتراث
شواف، منیرمحمد طاهر، (۱۹۹۳ م)، **تهافت القراءة المعاصره**، الشواف
طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰)، **المیزان**، مؤسسة الأعلمي، بیروت، چاپ ۲
طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، **مجمع البیان**، مصحح: طباطبایی، فضل‌الله و رسولی، هاشم، ناصر خسرو، چاپ ۳
عبدالحمید، محسن، (۱۳۹۴ق، ۱۹۷۴م)، **الرازی مفسرا**، بغداد، دارالحریه للطباعه
عبدالرحمن، عبدالهادی، (۱۹۹۳ق)، **سلطة النص**، بیروت، دارالنشر
عبداللهیان، محمد، ۱۳۸۹، **نشریه بینات**، موسسه معارف امام رضا، ش ۱۷
عقاد، عباس، (۱۹۶۲م)، **الفلسفه القرآنیه**، قاهره، دارالهلال
عك، شیخ خالد عبد الرحمن، (۱۴۲۸ق) **اصول التفسیر و قواعده**، بیروت: دارالنفائس، چاپ۵
عك، شیخ خالد عبد الرحمن، (۱۴۱۶ ق)، **الفرقان والقرآن**، دمشق، الحکمة
فارسی، جلال‌الدین، (۱۳۷۴ ش)، **فرهنگ واژه‌های انقلاب اسلامی**، تهران: بنیاد فرهنگی امام‌رضا، چاپ۱
فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ه. ق)، **التفسیر الکبیر** (مفاتیح الغیب)، دار إحیا التراث العربي، بیروت، چاپ ۳
فروغی، محمد علی، (۱۳۶۰ ش)، **سیر حکمت در اروپا**، تهران: زوار
الفیومی، سعید صلاح (۱۴۲۴)، **الاعجاز العلمی**، مکتبة القدسی، القاهرة، چاپ اوّل
قرشی بنابی، علی‌اکبر (۱۳۷۵)، **احسن الحدیث**، تهران، بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، چاپ ۲
کلینی، محمدحسین، (۱۳۷۵)، **الکافی**، به کوشش غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة
مجتهد شبستری، محمد، (۱۳۸۴)، **نقدی بر قرائت رسمی دین**، تهران: طرح نو، چاپ ۳
محمود، مصطفی، (۱۹۷۹ م)، **القرآن محاولة لفهم عصری**، بیروت، دارالعوده
مراغی، احمدمصطفی، (بیتا)، **تفسیرالمراغی**، دار الفکر، بیروت، چاپ ۱
مطهری، مرتضی، (۱۳۷۷)، **مجموعه آثار** ج۱ (علل گرایش به مادیگری)، تهران: صدرا
مطهری، مرتضی، (۱۳۹۹)، **عدل الهی**، نشر صدرا
معرفت، محمدهادی، (۱۳۷۹ش)، **تفسیر و مفسران**، التمهید، قم، چاپ ۱
معرفت، محمدهادی، (۱۴۱۰)، **التمهید في علوم القرآن**، حوزه علمیه قم، قم، چاپ۳
مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۵ق)، **التفسیر المبین**، دار الکتاب الإسلامي، قم، چاپ ۳
نمر، عبدالمنعم، (۱۴۰۵)، **علم التفسیر**، قاهره، دارالکتب الاسلامی، چاپ۱
نوفل، عبدالرزاق، (۱۴۰۴)، **القرآن و العلم الحدیث**، لبنان: دارالکتب العربیش